

اگر فرهنگ تهاجم می‌کند، پس چرا فرهنگ چینی تهاجم نمی‌کند

چهل سال است که با پدیده‌ای با نام تهاجم فرهنگی مواجه می‌باشیم. چهل سال است که کارگزاری نظام اسلامی به آمریکا و غرب تهمت تهاجم فرهنگی می‌زند. چهل سال است که حکومت اسلامی بر این گمان است که آمریکا تحت عنوان نقش استعمارگر، تهاجم فرهنگی بر ایران می‌راند.

این تصور بدان جهت است که در طول چهل سال اخیر با مقوله‌ای با مفهوم استحاله فرهنگی در ایران روبرو هستیم. در این میان پدیده‌ای با نام مد، بیشترین نماد تهاجم فرهنگی شمارش می‌گردد. در طول تاریخ معاصر ایران، پدیده مد بشدت در ایران رواج داشته و هر روز نیز در حال افزایش می‌باشد.

ترویج مد در کشور ما یا در هر کشوری یقیناً نشانه ورود نشانه‌های فرهنگی بیگانه است که به عنوان محصول فرهنگی بشمار می‌آید. ترویج مد لباس، مد خوراک، مد رفتار، مد زبان، مد گفتار، مد اتومبیل، مد مسکن و انواع دیگر پدیده‌های اجتماعی همگی خرده فرهنگ‌هایی هستند که وارد یا صادر می‌گردند.

که در این بین در صده اخیر بیشترین مد یا خرده فرهنگ از غرب (اروپا و آمریکا) وارد ایران می‌شوند. این خرده فرهنگ‌ها عموماً با ماهیت عناصر مدرنیته به آسانی وارد ایران و خیلی دیگر از کشورها از جمله در جهان سوم یا همان بلوک شرق شده‌اند. جالب آنست که نمادهای مدرنیته با نام خرده فرهنگ، به راحتی مورد پذیرش مردم در کشورهای جهان دوم و سوم می‌شوند. اینست که واژه‌ای با نام استعمارگری یا با تقلیل مفهومی، استعمار فرهنگی وارد ترمینولوژی اصطلاح‌شناسی جوامع مختلف شده است.

ایران نیز از جمله کشورهایایی است که در این صده اخیر از خرده فرهنگ‌های غربی با دلی باز استقبال نموده و خرده فرهنگ‌های غربی به آسانی و بدون دردسر وارد فرهنگ زندگی ما شده‌اند.

علیرغم اشتباه و عاظ و مراجع دینی که این ورود خرده فرهنگ یا مد و مقوله انتقال فرهنگی را تهاجم فرهنگی یا استعمار فرهنگی می‌نامند. ولی صادرات فرهنگ از غرب، به راحتی و با اشتیاق مردم داخل و بدون ریالی هزینه، وارد ایران می‌شوند. بدین دلیل است که این رخداد استحاله فرهنگی در جامعه ایران تهاجم فرهنگی نامیده شده است.

اگر از ایده پردازی و خیال بافی فاصله گیریم، واردات فرهنگی و استحاله فرهنگی به ایران را به عینه مشاهده می کنیم. در بستری از واقعیت می بینیم که پیوسته و هر روز خرده فرهنگ ها و نمادهای مد بسیاری از غرب وارد ایران می شوند و سبب تغییر و تحول فرهنگی در ایران می شوند.

با این وصف پدیده تهاجم فرهنگی خیالی بیش نیست. تهاجم فرهنگی واقعیتی مفهوم سازی در ایران یا هر کشور پذیرنده مد یا خرده فرهنگ نمی باشد. زیرا که فرهنگ غربی هرگز با زور و تهدید وارد کشورهای جهان سومی و از جمله ایران نمی شود. بلکه جامعه ایران و دیگر جوامع با آغوش باز و طیب خاطر است که مد یا خرده فرهنگ های غربی را پذیرا می گردند.

برای اثبات این موضوع و ایفای تحلیلی واقعی و منطقی از این امر، کفایت به جریان استحاله فرهنگی و واردات فرهنگ و مد در ایران پس از انقلاب توجه نماییم. هر چند حاکمیت اسلامی در طول چهل سال اخیر بشدت با ورود مد و یا نمادهای فرهنگ غربی (اروپایی و آمریکایی) مبارزه کرده و سرمایه مالی هنگفتی را در زمینه اسلامیزه جامعه و کانالیزه کردن فرهنگ ایران نموده است. اما در واقعیت شاهد ورود مد و خرده فرهنگ های متنوع به جامعه ایران هستیم. به صورتی که واردات فرهنگی و نمادهای مد به ایران هیچگاه قطع نشده و همواره شاهد ورود مدهای جدید و استحاله فرهنگی عمیقتر نیز می باشیم.

می بینیم حکومت اسلامی مدام تلاش می کند تا فرهنگ اسلامی را از سطوح کودکان و دبستان در جامعه ایران ترویج و رشد دهد. می بینیم حکومت اسلامی در این راه سرمایه های مالی هنگفتی را هزینه نموده و می نماید. اما توفیق چشمگیر نبوده و فرهنگ غربی بدون یک سنت هزینه، از راه رسانه و شبکه های اجتماعی وارد کشور می شوند.

اگر هم شبکه های اجتماعی و رسانه های رنگارنگ را ابزار تهاجم فرهنگی غرب بنامیم و توجیه نماییم که غرب با هزینه میلیاردها دلار به این وضعیت رسیده و فرهنگش به جامعه ایران و جوامع جهان سومی راه پیدا کرده است. پس پرسش اینست که چرا مردم با آغوش باز و انبساط خاطر به فرهنگ غربی روی می آورند!

ضمناً پرسشی دیگر در این بین بروز می کند. به راستی اگر غرب با هزینه گزاف به صادرات فرهنگی رسیده، پس چرا چین و ژاپن و هند و دیگر کشورها ذره ای موفق نمی باشند. می دانیم که سالیان طولانی است چینیان به ایران رفت و آمد می کنند و واردات کالای آنان به ایران از حد گذشته است. ولی دریغ از از ورود یک خرده فرهنگ کوچک یا مد چینی به ایران!

به واقع با این رابطه طولانی با دنیای شرق و واردات انواع و اقسام کالا از آن کشورها، چرا یک مد یا خرده فرهنگ از آن کشورها به ایران وارد نشده است؟! حتی در طول سالیان متمادی، یک واژه چینی و ژاپنی وارد فرهنگ زبانی ایران نشده است. اما پیوسته شاهد هستیم که واژه ها و اصلاحات آمریکایی و اروپایی به آسانی وارد مجموعه واژگان پارسی می گردند.

این وضعیت چنان برای حکومت اسلامی سنگین بوده، که حتی ساختار و نهادی با نام فرهنگستان زبان فارسی را برای مقابله با ورود واژگان غربی ایجاد نموده است. ولی این عمق و سرعت ورد و انتقال واژه از غرب در حدی است که فرهنگستان زبان فارسی نه تنها قابلیت ساخت واژه را ندارد. بلکه این سازمان دست ها را به علامت تسلیم بالا برده و توانایی برابری با زبان غربی را ندارد.

احمد علینقی – پژوهشگر مدیریت اجتماعی